



بدون شک نقطه عطف تیتراژخوانی علیرضا قربانی را باید در سال ۸۴ و تجربه خواندن ترانه تیتراژ سریال مدار صفر درجه با ترانه‌ای از مرحوم افشین یداللهی دانست؛ ترانه‌ای که موفقیتش را علاوه بر هنر و صدای دلنشین قربانی مدیون شعر ماندگار افشین یداللهی و جادوی کلماتش بود

## مروری بر کارنامه خوانندگانی که بازار تیتراژخوانی

# این آواها

تیتراژ همچون قلاب ماهیگیری است؛ هر چقدر جذاب‌تر، دیدنی‌تر و شنیدنی‌تر باشد به شکل طبیعی بخش بیشتری از مخاطبان را به تماشای یک اثر نمایشی یا برنامه تلویزیونی ترغیب می‌کند. این البته تنها خاصیت تیتراژ نیست چرا که بسیاری از تیتراژهای ماندگار آثار تلویزیونی مربوط به تیتراژ پایانی سریال بوده که در انتهای هر قسمت پخش می‌شده و جذابیت آنها باعث شده بود تا بسیاری از مخاطبان در کنار خود سریال، مشتاق تکرار تجربه

احسان سالمی  
روزنامه‌نگار

### محسن چاوشی

آقای خاص موسیقی پاپ هم از جمله چهره‌هایی است که در زمینه خواندن تیتراژ سریال‌ها و برنامه‌هایی تلویزیونی یدولایی دارد و اتفاقاً چند مورد از تیتراژهایی که او برای تلویزیون خوانده در زمره ترانه‌های ماندگار دسته‌بندی می‌شود.

«لباس نو» عنوان ترانه‌ای بود که چاوشی برای ویژه برنامه تحویل سال نو از شبکه دو سیما در سال ۱۳۹۰ خواند؛ ترانه‌ای که مطلع آن با چنین عبارتی آغاز می‌شد: «نه هوای تازه و نه لباس نو می‌خوام، هفت سین من تویی من فقط تورو می‌خوام». او در ادامه در کنار فعالیت‌های حرفه‌ای‌اش در دنیای موسیقی باز هم به سراغ تیتراژخوانی برای آثار تلویزیونی آمد. او با همکاری فرزند فرزند ترانه «واسه آبروی مردمتم بچنگ» را برای تیتراژ برنامه تلویزیونی پشت صحنه از شبکه سه سیما خواند. سه سال بعد از آن نیز در سال ۱۳۹۴ برای برنامه نوروزی «مهربانو» از شبکه سه سیما تیتراژخوانی کرد. چاوشی هر چند فعالیت‌های زیادی در زمینه خواندن تیتراژ سریال‌های شبکه نمایش خانگی داشت اما اولین تجربه تیتراژخوانی برای سریال‌های تلویزیونی را با خواندن تیتراژ سریال «سایه‌بان» شبکه دوم سیما به دست آورد. ترانه‌ای با عنوان «مریض حالی» موفق به دریافت جایزه بهترین دستاورد

ویژه هنری از پنجمین دوره جشنواره جام جم شد. اما یکی از نقاط عطف چاوشی در زمینه خواندن تیتراژهای تلویزیونی ترانه «چه شد» با مطلع «چه شد که بار دگر، یاد آشنا کردی؟ چه شد که شیوهی بیگانگی؛ رها کردی؟!» بود که او برای سریال تلویزیونی «بانوی عمارت» خواند و با استقبال گسترده مخاطبان روبه‌رو شد. ترانه‌ای با آهنگسازی محسن چاوشی و شعری از استاد شهریار که شهاب اکبری آن را تنظیم کرده بود. او بعدها ترانه تیتراژ ویژه برنامه تحویل سال نو شبکه پنج سیما در سال ۹۷ را با عنوان «ناوک» خواند و بعد از آن نیز تیتراژ سریال رضائی «دلدار» از شبکه دو سیما را در سال گذشته خواند. تیتراژ برنامه تلویزیونی «مثل ماه» در رمضان امسال در زمره آخرین تجربه‌های او در حوزه تیتراژخوانی به شمار می‌آید.

### مجید اخشابی

پرکارترین خواننده تیتراژهای تلویزیونی بدون شک مجید اخشابی است. چهره‌ای که بخش عمده‌ای از فعالیت‌هایش مربوط به خواندن تیتراژهای تلویزیونی است. مجید اخشابی سال ۸۰ با خوانندگی در تیتراژ مجموعه تلویزیونی گم‌گشته شهرت بسیاری یافت. اتفاقاً موفقیت او در این حوزه باعث شد تا بحث تیتراژخوانی در تلویزیون یک پله رشد کند و تیتراژخوانی جدی‌تر گرفته شود.

او بعد از گم‌گشته تجربه‌های متعددی در عرصه تیتراژخوانی به دست آورد اما بدون شک تجربه خواندن تیتراژ سریال‌های رضا عطاران از جمله مهم‌ترین این تجربه‌ها بود. متهم گریخت و خانه به دوش دو سریالی بودند که همچنان در زمره مهم‌ترین آثار کمی تلویزیون به شمار می‌آیند و تیتراژ آنها توسط مجید اخشابی خوانده شد و مورد اقبال مخاطبان نیز قرار گرفت. عروج، مسافری از هند، یک وجب خاک، روزهای زیبا و چهارچرخ از دیگر سریال‌هایی

### محمد اصفهانی

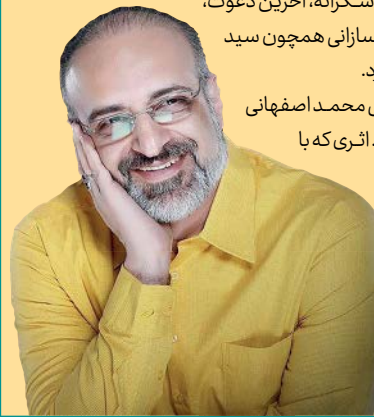
محمد اصفهانی از جمله چهره‌های فعال در عرصه تیتراژخوانی در تلویزیون است که تا به امروز آثار متعددی در این زمینه خوانده است. او سال ۷۳ به عنوان یکی از اولین تجربیاتش با خواندن تیتراژ سریال آوای فاخته با ترانه‌سرایی ساعد باقری و کارگردانی بهمن زرین‌پور برای اولین بار تجربه تیتراژخوانی را به دست آورد. او سپس در سال ۷۵ تیتراژ سریال تنهاترین سردار را با ترانه‌ای از محمود شاه‌رخی و با آهنگسازی مجید انتظامی خواند. «پهلوانان نمی‌میرند» به کارگردانی حسن فتحی یکی دیگر از سریال‌هایی بود که محمد اصفهانی در همان دهه برای آن تیتراژ خواند. بابک بیات، آهنگساز این قطعه بود که با شعری از مولوی خوانده شد.

اما نقطه عطف تیتراژخوانی محمد اصفهانی تیتراژ ماندگار سریال ولایت عشق بود؛ اثری ماندگار که محصول سال ۷۹ شبکه یک سیما بود و بعدها در کنار سایر ساخته‌های اصفهانی برای این سریال در قالب یک آلبوم مجزا منتشر شد. آتش و شبنم و معصومیت از دست‌رفته دو تجربه محمد اصفهانی در عرصه تیتراژخوانی در سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ بود. اما بدون شک یکی دیگر از نقاط عطف کارنامه تیتراژخوانی اصفهانی، خواندن ترانه تیتراژ سریال پرمخاطب «وفا» بود. اثری با آهنگسازی علیرضا کهن‌دیری که با این مطلع آغاز می‌شد: «عشق است و آتش و خون... داغ است و درد دوری / کی می‌توان، نگفتن؟ کی می‌توان، صبوری».

او بعد از آن، ترانه تیتراژ سریال‌هایی همچون ستاره سهیل، شکرانه، آخرین دعوت، رستگاران و زیر هشت را هم خواند و تجربه همکاری با آهنگسازی همچون سید

فؤاد حجازی، آرمان موسی‌پور و آریا عظیمی‌نژاد را به دست آورد. ارمغان تاریکی، یکی دیگر از نقاط عطف کارنامه تیتراژخوانی محمد اصفهانی است که در زمره تیتراژهای ماندگار تلویزیون قرار می‌گیرد. اثری که با ترانه‌ای از عبدالجبار کاکایی و آهنگسازی فرید سعادتمند ساخته شد. این تجربه همکاری با فرید سعادتمند بعدها در ساخت و انتشار تیتراژ سریال‌های نفس و زمین گرم نیز تکرار شد.

تا ثریا، تکیه بر باد، یه تیکه زمین، رهایم نکن، دلدادگان و بوی باران دیگر سریال‌هایی بودند که در دهه ۹۰ شمسی محمد اصفهانی برای آنها تیتراژ خواند.



### احسان خواجه‌امیری

«بی‌عشق عمر آدم بی‌اعتقاد میره، هفتاد سال عبادت یک شب به باد میره» این بخشی از ترانه ماندگار سریال ماه رضائی میوه ممنوعه بود که احسان خواجه‌امیری با ترانه‌ای از دکتر افشین یداللهی آن را خواند تا سریالی که حسن فتحی آن را برای پخش در ماه رمضان سال ۸۶ ساخت علاوه بر کیفیت فنی بالایش به واسطه ترانه تیتراژش نیز مورد توجه مخاطبان قرار گیرد. خواجه‌امیری که یدولایی در عرصه خواندن تیتراژهای تلویزیونی دارد، برای اولین تجربه‌اش در این عرصه در ۱۹ سالگی به پیشنهاد قاسم جعفری برای خوانندگی سریال غریبانه انتخاب شد و ترانه «هر چی آرزوی خوبه...» را برای این سریال خواند که در آن دوره مورد توجه مخاطبان قرار گرفت.

خواجه‌امیری به واسطه تجارب موفق که در عرصه تیتراژخوانی سریال‌های تلویزیونی داشت همیشه یکی از بهترین گزینه‌ها برای این موضوع بود. او در همان دوره جوانی در کنار سریال غریبانه، تجربه موفق خواندن تیتراژ سریال‌های متعددی را داشت که اغلب مورد اقبال قرار می‌گرفت و نام خواجه‌امیری را به عنوان یکی از نامدارترین تیتراژخوان‌های دهه ۸۰ تلویزیون مطرح می‌کرد. او در این دهه علاوه بر غریبانه برای سریال‌هایی چون لبه تاریکی، از نفس افتاده، زیر زمین، پول کثیف و چند سریال دیگر نیز خواند.

او همچنین یکی از مهم‌ترین گزینه‌های خواندن تیتراژهای سریال‌های مناسبی بود. به عنوان مثال بعد از موفقیت تیتراژ میوه ممنوعه، در رمضان سال بعد نیز تیتراژ سریال مناسبی مثل هیچ‌کس را خواند. او در سال ۸۹ نیز یک بار دیگر با خواندن ترانه تیتراژ سریال رضائی در مسیر زاینده‌رود تجربه دیگری در این عرصه به نام خود به ثبت رساند. اما نقطه عطف مجدد فعالیت او در حوزه خواندن تیتراژ سریال‌های تلویزیونی مربوط به تیتراژ سریال نابرده

رنج بود. ترانه‌ای که با مطلع «برام هیچ حسی شبیه تو نیست؛ کنار تو درگیر آرامشم» آغاز می‌شد. بعد از آن برای سریال‌های مادرانه و ماتادور نیز خواند تا فعالیت او در زمینه تیتراژخوانی در دهه ۹۰ ادامه پیدا کند. او در ادامه با خواندن «آوای باران» یکی دیگر از ترانه‌های ماندگار تلویزیون را تولید کرد و در ادامه این دهه تجربه خواندن ترانه سریال‌های پریا، هشت و نیم دقیقه، آن‌ام و بچه مهندس را به کارنامه‌اش افزود. «بغض» هم عنوان یکی از ترانه‌های خواجه‌امیری بود که سال ۹۴ ترانه تیتراژ برنامه تلویزیونی و پرمخاطب ماه عسل بود.

